

موانع مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان



محمد عابدی *

سید محمد مهدی قبولی درافشان**

امیر سعیدی***

چکیده

مسئولیت مدنی یکی از ضمانت‌اجراهای عمومی قواعد حقوقی است که به دلیل نقض حقوق قانونی و مشروع افراد ایجاد می‌شود. والدین نیز از این امر مستثنا نیستند و در صورت نقض حقوق فرزندان و زیان رساندن به آن‌ها مسئولیت جبران خسارت را به عهده دارند. اما آیا مسئولیت والدین به‌نحو کامل مشمول قواعد عمومی مسئولیت مدنی است؟ در صورت منفی بودن پاسخ، چه شرایطی اصل و میزان مسئولیت مدنی والدین را محدود می‌کند؟ به‌طور کلی، عوامل موجهه عمومی مانند حکم قانون، اجرای حق، اکراه، اضطرار، اجرای حق، رضایت زیان‌دیده، اقدام، تحذیر و استیمان باعث می‌شوند که در شرایطی، عمل زیان‌بار، مشروع تلقی شود یا قابلیت انتساب آن به عامل زیان محدود گردد. لیکن، ضرورت‌های عرفی، انصاف و ارزش‌های اخلاقی، به دلیل شرایط خاص روابط فرزندان و والدین، مسئولیت مدنی پدر و مادر را در مقابل فرزندان کاهش می‌دهد و موجب می‌شود مطالبه خسارت از والدین بیشتر جنبه نظری بیابد. از سوی دیگر، وجود پاره‌ای واقعیت‌های اجتماعی ناگوار مانند کودکان بدسرپرست، اقتضاء دارد مسئولیت والدین جنبه کاربردی داشته باشد. در این جستار موانع عام و خاص مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان را بررسی می‌کنیم.

واژگان کلیدی

مسئولیت مدنی، والدین، فرزندان، عوامل موجهه تقصیر، موانع مسئولیت مدنی

* - دکتری تخصصی حقوق خصوصی، استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، وکیل پایه یک دادگستری.

** - دکتری تخصصی حقوق خصوصی، دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد.

*** - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

والدین در برابر فرزندان تکالیفی بر عهده دارند که بخشی از آن‌ها در قانون مشخص شده است و مواردی هم از عرف استنباط می‌شود. بنابراین، قانون بر روابط آنان حاکم است و تکالیف مقرر منشأ قراردادی ندارند. از این رو، طبیعی است که انجام ندادن تکالیف، باعث نقض حقوق فرزندان می‌گردد و بالتبع، مسئولیت مدنی والدین را - در صورت وجود دیگر شرایط - در پی دارد؛ زیرا والدین نیز مانند سایر افراد حق تعرض به حقوق فرزندان و آسیب رساندن به آن‌ها را ندارند و طبق قاعده، تمامی خسارات باید جبران شوند و هیچ ضرر غیرمتدارک نباید وجود داشته باشد.

قانونگذاری‌های اخیر مانند «سلب حضانت و ولایت از والدین فاقد صلاحیت» در اصلاحات قانون مدنی، و اضافه شدن عنوان کودکان «بد سرپرست» به قانون حمایت از کودکان بی سرپرست، از معضل اجتماعی وجود والدینی حکایت دارد که به تکالیف قانونی و عرفی خود در نگهداری و مراقبت از فرزندان عمل نمی‌کنند و این امر، برقراری ضمانت اجراهای مدنی و کیفری را توجیه می‌کند.

اما چه چیز باعث شده است تاکنون قاعده مسئولیت مدنی والدین بیشتر جنبه نظری پیدا کند و نویسندگان حقوقی نیز نسبت به مسائل آن بی‌اعتنا باشند؟ حتی قانونگذار در مواردی، نسبت به ضمانت اجرای نقض حقوق فرزندان توسط والدین سکوت کرده و تنها به دفع منبع ضرر مانند سلب حق حضانت و ولایت اشاره کرده است. بدیهی است که در همه موضوعات مسئولیت مدنی و نسبت به همه افراد عواملی موضوعیت دارند ولی در روابط بین والدین و فرزندان شرایطی حاکم است که اصل مسئولیت یا میزان آن را محدود می‌کنند و از این رو، خاص محسوب می‌شوند.

باتوجه به اینکه تاکنون پژوهشی در این باره صورت نگرفته است و از طرفی، پاسخ به این سؤال ضمن حمایت از حقوق فرزندان راهنمای محاکم در رسیدگی به پرونده‌های مربوطه می‌تواند باشد، در این جستار برآنیم تا عوامل تحدید مسئولیت والدین در برابر فرزندان را مشخص کنیم. از این رو، ابتدا به بررسی موانع عام مسئولیت والدین پرداخته می‌شود و سپس به موانع خاص آن.

۱- موانع عام

منظور از موانع عام، آن دسته از عواملی‌اند که صرف نظر از روابط طرفین، ممکن است در همه دعاوی مسئولیت موضوعیت داشته باشند. این عوامل عبارتند از: حکم قانون یا مقام صلاحیت‌دار؛ اجبار یا اکراه؛ اضطرار؛ اجرای حق؛ رضایت زیان‌دیده؛ احسان؛ اقدام؛ تحذیر؛ استیمان. در ادامه، موانع مذکور را به ترتیب بررسی می‌کنیم.

۱-۱- حکم قانون یا مقام صلاحیت‌دار

اگر والدین به حکم قانون یا مقام صلاحیت‌دار باعث زیان دیدن فرزند خود شوند، مسئولیتی ندارند. برخی از این موارد عبارتند از:

۱- طبق ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی و ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی والدین با شرایطی حق تنبیه فرزندان را دارند. بنابراین، نمی‌توان آن‌ها را مسئول شناخت. اگرچه تنبیه باید به گونه‌ای باشد که آسیب جسمی نرساند، مسلم است که حتی متعارف‌ترین تنبیه هم آثار زیان‌بار معنوی خواهد داشت ولی ضمان‌آور نیست.

۲- ازدواج و انتخاب همسر حق طبیعی هر شخص است و کسی حق دخالت، الزام یا ممانعت از آن را ندارد. اما ولی قهری می‌تواند مولی‌علیه خود را برای دیگری تزویج کند (ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی) یا مانع ازدواج وی با دیگری شود (ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی).

۳- علی‌رغم فواید زیاد شیر مادر برای فرزند، مادر مکلف نیست به طفل خود شیر بدهد (ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی).

۲-۱- اجبار یا اکراه

اجبار در صورتی محقق می‌گردد که کسی از طرف دیگری وادار به انجام عملی گردد و این اجبار به نحوی باشد که عادتاً تحمل‌پذیر نباشد؛ زیرا وقتی درجه تأثیر عمل چنان باشد که وی را بتوان سبب اقوی از مباشر یا سبب قوی‌تر تلقی کرد اجبارشونده در حکم قوه قاهره است و از مسئولیت معاف می‌شود، مانند موردی که پدر یا مادر بر اثر اکراه شخصی که مبتلا به ایدز است حاضر به همخوابی با وی می‌شود و بر اثر آن نطفه‌ای منعقد می‌شود. در حوزه اموال نیز ممکن است پدر یا مادر به علت اکراه نسبت به اموال، معامله‌ای انجام دهد یا آن را به دیگری بسپارد. بدیهی است در این موارد شخص مکروه مسئولیتی نخواهد داشت.

۳-۱- اضطرار

اضطرار به حالتی گفته می‌شود که شخص برای مصون ماندن از ضرری که زیان‌دیده، مسئول آن نبوده است به ناچار به او خسارت می‌زند. به بیان دیگر، مضطر کسی است که جز با صدمه زدن به مال یا حق دیگری نمی‌تواند از خطری که او را تهدید می‌کند بپرهیزد و در این اضطرار ناچار است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۲۰/۱)؛ مانند اینکه پدری برای حفظ جان فرزند خود یا حفظ سایر اموال وی مالی را به کمتر از بهای واقعی بفروشد یا باعث تلف آن شود؛ یا مانند زنی که به علت سوءرفتار شوهر زندگی خانوادگی را ترک کند و فرزندان را تنها گذارد و در نتیجه، ضربه شدید روحی به آن‌ها وارد شود و فرصت داشتن زندگی سالم و عادی را از دست بدهند.

درباره اثر اضطرار در معاف شدن از مسئولیت، اختلاف نظر است؛ زیرا از یک سو، معاف شدن مضطر از مسئولیت، عادلانه به نظر می‌رسد و از سوی دیگر، تحمل ضرر از طرف زیان‌دیده و به خاطر دفع ضرر از دیگری چندان موجه نیست. به بیان دیگر، در اضطرار دو بی‌گناه روبه‌روی یکدیگرند و در این باره که کدام یک برای جبران خسارت شایسته‌تر است، تردید وجود دارد.

تا قبل از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی مرسوم این بود که اضطراب از اسباب معافیت از مسئولیت نیست، چنان که در تبصره ماده ۵۵ قانون سابق بعد از بیان معافیت مضطر از مسئولیت کیفری آمده بود: «دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است». اما در ماده ۱۵۲ قانون جدید مجازات اسلامی که جایگزین ماده سابق شده، این تبصره نیامده و به همین دلیل، به نظر می‌رسد تردیدی در عدم مسئولیت مضطر در مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر نباشد. درحقیقت، مسئولیت مضطر در این فرض قابل انتقاد است؛ زیرا معیار تقصیر، تجاوز از رفتار انسانی متعارف و معقول در همان شرایط می‌باشد. شخصی که به‌ناچار و به دلیل حفظ سلامت فرزند خود باید علاوه بر هزینه‌های بیمارستان، مبلغی از اموال را تحت‌عنوان «زیرمیزی» به پزشک معالج بدهد، مسئول جبران خسارت نخواهد بود. به‌علاوه، در برخی موارد علت وجود اضطراب خارجی و مقاومت‌ناپذیر است و در حکم قوه قاهره محسوب می‌شود. البته در فرض پذیرش استفاده بدون جهت در حقوق ایران، زیان‌دیده می‌تواند به شخصی که از این وضعیت سود برده است، برود و خسارت بطلبد (همان: ۳۲۶/۱).

۴-۱- اجرای حق

اصل بر این است که اگر شخص در رسیدن به حق خود ناگزیر از لطمه به دیگری شود مسئولیتی ندارد و تنها در صورتی مکلف به جبران خسارت است که از حق خود سوءاستفاده کند و مرتکب تقصیر شود؛ چه اجرای حق به‌طور مطلق نمی‌تواند مجوز اضرار به دیگری شود و فعل زیانبار را مشروع سازد. پدر در دوران زوجیت و مادر بعد از فوت یا جدایی از همسر می‌توانند ازدواج مجدد کنند یا هر یک می‌تواند در صورت وجود شرایط از دیگری جدا شود. در این فروض، فرزند نمی‌تواند به این دلیل که به حیثیت وی خدشه وارد شده یا صدمه روحی دیده است، مطالبه خسارت نماید. اعمال این حقوق زمانی می‌تواند ضمان‌آور باشد که به قصد «اضرار» انجام گیرد. با این توصیف، اقدام به جدایی از همسر یا ازدواج مجدد چنانچه با قصد اضرار به فرزندان باشد و عرفاً هم زیان‌آور تلقی گردد، در صورت وجود سایر شرایط، ضمان‌آور است؛ زیرا هیچ‌کس حق ندارد دستیابی به حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد (اصل ۴۰ قانون اساسی).

۵-۱- رضایت زیان‌دیده

ممکن است فرزند پیش از زیان با قرارداد یا اعلام رضایت، حق گرفتن خسارت را ساقط کند؟ اما آیا این توافق باعث معافیت والدین از مسئولیت می‌شود؟

برای پاسخ به این مسئله باید خسارت وارد شده به اموال را از زیان وارد شده به جسم و حیثیت اشخاص، و نیز فرزندان محجور را از غیرمحجور جدا کرد. در مورد خسارت وارد شده بر اموال باید توافق فرزندان را که اهلیت کامل را برای انجام اعمال حقوقی دارند، نافذ شمرد؛ زیرا از ماده ۳۰ قانون مدنی استنباط می‌شود که در امور مالی، اصل تکمیلی بودن قانون است و توافق را باید محترم

شمرد و موجب معافیت از مسئولیت دانست (صفایی و رحیمی؛ ۱۳۸۹: ۱۸۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۳۱/۱). اما نسبت به مجبوران باید گفت، رضایت آنان برای تصرف در اموال یا حقوق مالی نافذ نیست؛ چه آن‌ها اهلیت لازم برای انجام اعمال حقوقی را ندارند و چه بسا زیان‌های جبران‌ناپذیری به آنان وارد آید. لذا برخلاف سایر اشخاص رضایت مجبوران حتی نسبت به اموال نافذ نیست و شرط عدم مسئولیت، بلاثر خواهد بود.

در باره صدمه‌های بدنی و آسیب‌های شخصیتی، رضایت زیان‌دیده باعث معافیت از مسئولیت نخواهد بود (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۳۲/۱؛ مانند تکدی‌گری یا قاچاق به درخواست پدر یا مادر و بدون هیچ‌گونه اجباری از طرف آنان؛ و یا شرکت در برنامه‌ها و مراسم خلاف اخلاق که باعث کسر اعتبار و حیثیت فرزند در آینده می‌شود. در این شرایط اگرچه خود فرد باعث زیان شده است، عمل والدین در حکم سبب قوی‌تر است و عرف نیز زیان را به آنان منتسب می‌داند. البته در فرضی که فرد اختیار کامل داشته باشد و مجبور نباشد، می‌توان گفت به زیان خویش اقدام کرده است و عرف این زیان را به وی منتسب می‌سازد.

۱-۶- احسان

یکی از مهم‌ترین موانع مسئولیت مدنی والدین که در بسیاری از موارد مانع مسئولیت آنان به‌شمار می‌رود، قاعده احسان است. «احسان» در معنای حقوقی، به معنای انجام دادن عمل نیک و پسندیده است و «محسن» به کسی گفته می‌شود که با دفع ضرر مالی یا معنوی از شخص، یا جلب منفعت برای وی اقداماتی مصلحانه انجام دهد و خدمتی به او بکند و چنانچه در نتیجه این عمل، زبانی وارد آید وی مسئولیتی نخواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۳۰۰/۲). از این قبیل است پدری که کودک خود را با هدف تأدیب تنبیه نماید هر چند مؤدب نشود (حسینی روحانی؛ ۱۴۱۲: ۳۷۲/۱۹)؛ یا اموال فرزند خود را به علت افزایش سرمایه و سودرسانی بیشتر به وی نگه دارد و نفروشد و در نتیجه اموال از بین برود، سرقت شود یا قیمت آن کاهش یابد؛ یا فرزند خود را با هدف پیشرفت ذهنی و عقب نماندن از هم‌نوعان به مهد کودک بفرستد و او به دلیل دوری از والدین صدمه روحی ببیند.

سؤال قابل‌طرح این است که آیا برای معافیت از مسئولیت، صرف داشتن قصد احسان کفایت می‌کند یا عمل هم باید محسنانه باشد؟ توضیح اینکه: به عقیده برخی محققان (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۷۹: ۳۵/۱) آنچه مدار احسان است واقعیت خارجی یعنی سودمند بودن عمل است هر چند شخص عامل قصد احسان نداشته باشد. ولی همچنان که برخی نویسندگان (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۳۰۶/۲) گفته‌اند: به نظر می‌رسد، مجرد سودمند بودن عمل کافی نیست و قصد احسان هم باید وجود داشته باشد. البته همان‌گونه که احسان، پسندیده عرف و عقلاست، دخالت در امور دیگران هم امری ناپسند است. لذا هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور کرد به سلیقه دیگری زندگی کند. بنابراین، دخالت در امور

فرزندان هم باید به گونه‌ای باشد که مصداق تجاوز در امور خصوصی محسوب نگردد. از این رو، مقنن در ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و خسارت شود، در صورت رعایت مقررات قانونی ضامن نیست». بدین ترتیب، قاعده احسان مُسْقَطِ ضمان والدین در برابر فرزندان است و با رعایت شرایط، مخصّص قاعده علی الید و اتلاف است (لطفی؛ ۱۳۷۹: ۵۴).

۱-۷- اقدام

هرگاه فرزند به زیان خویش اقدامی کند حق ندارد برای جبران خسارتی که متحمل شده است به دیگری رجوع کند. بنابراین، اگر وی بعد از دوران حجر معامله‌ای را که پدر یا مادر نسبت به مال وی بدون رعایت غبطه انجام داده‌اند و بدین سبب غیرنافذ محسوب می‌شود، تنفیذ کند یا حق فسخ یا شفعه ایجاد شده را اعمال نکنند، نمی‌تواند برای زیان وارده، به آن‌ها رجوع کند.

در حقوق کنونی که نظریه قابلیت انتساب عرفی پذیرفته شده است و نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت و در نتیجه، امکان تقسیم مسئولیت اعمال می‌شود، با اعمال قاعده و بر حسب اینکه تقصیر زیان دیده سبب منحصر زیان یا یکی از اسباب ورود زیان باشد، معافیت کامل عامل زیان یا کاهش مسئولیت وی به دست می‌آید (ر.ک: مواد ۵۳۳ و ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی).

برای اینکه تقصیر زیان دیده موجب تغییر در مسئولیت عامل زیان شود، وجود شرایطی ضرورت دارد: ۱- در مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر باید زیان دیده، مرتکب تقصیر شده باشد. البته در جایی که مسئولیت بدون تقصیر اعمال شود ضرورتی به تقصیر آمیز بودن عمل زیان دیده نیست و صرف فعل زیان دیده که رابطه سببیت عرفی با زیان رساندن دارد، کفایت می‌کند؛ ۲- بین اقدام زیان دیده و ضرر وارد شده رابطه سببیت عرفی وجود داشته باشد؛ ۳- اقدام زیان دیده ناشی از عمل عامل زیان نباشد؛ ۴- در صورتی که عامل زیان در ایجاد زیان، عمد داشته باشد صرف تقصیر و یا فعل زیان دیده تأثیری بر مسئولیت عامل زیان ندارد (کاظمی؛ ۱۳۹۰: ۹۰-۱۰۰)؛ زیرا اصولاً در تقابل عامد با مقصر، ضمان بر عهده عامد است و عرف انتساب زیان به عامد را قوی‌تر می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۵۰۸/۱). بدیهی است در صورتی که عامل زیان، و زیان دیده هر دو عامد و یا هر دو مقصر باشند، قاعده تقسیم مسئولیت اعمال می‌شود چنان که در ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی آمده است: «... در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لیکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست».

از دیگر مباحث مرتبط با زیان ناشی از اقدام زیان دیده، مسئله مقابله با خسارت یا تلاش برای کاهش میزان خسارت است که مقنن در بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۳۷

قانون مجازات اسلامی به آن اشاره کرده است. طبق این قاعده، شخصی که در معرض خسارت دیدن است وظیفه دارد اقدامات لازم را برای تقلیل یا جلوگیری از ایجاد یا گسترش خساراتی که امکان دارد از فعل زیان بار دیگری برای وی حادث شود انجام دهد (محقق داماد و جعفری خسروآبادی؛ ۱۳۸۹: ۱۰۶)؛ مانند فرزندى که از وجود یک بیماری ناشی از تقصیر والدین رنج می برد و آن ها برای درمان وی اقدامی نمی کنند؛ یا وی به علت رفتارهای نامتعارف آن ها فرصت تحصیل، اشتغال یا ازدواج را از دست می دهد، درحالی که آنان با وجود توانایی، عملی در کاهش یا جبران آن انجام نمی دهند. باید توجه داشت این وظیفه، تکلیف یا تعهدی قانونی نیست که بتوان الزام وی را از دادگاه خواست؛ زیرا در صورت عدم مقابله با خسارت، او علیه خود اقدام کرده است و فقط نمی تواند تمام خسارت را از عامل زیان مطالبه کند. به عبارتی، ضمانت اجرای این قاعده فقط محدود به عدم قابلیت جبران کامل خسارت یا بخشی از آن است نه الزام به انجام عملی.

نکته دیگر اینکه وظیفه کاهش خسارت، امری موضوعی است و باتوجه به ویژگی های هر پرونده باید بررسی شود. اگر فرزند به دلیل بی پولی، قادر به درمان، ادامه تحصیل یا ازدواج نباشد، مؤاخذه نمی گردد و این وظیفه از دوش او برداشته می شود. بنابراین، وظیفه کاهش خسارت یا مقابله با آن، مجموعه اعمالی خاص و محدود را دربر نمی گیرد و نیاز به داوری عرف دارد که اقدام انجام شده را معقول بداند یا نه. آنچه مهم است رفتار متعارف زیان دیده یا خواهان است که باتوجه به شرایط و اوضاع ارزیابی می شود و باید عواملی مانند وضعیت و امکانات مالی، اطلاع از زیان وارده، وضعیت دماغی و... مدنظر قرار گیرد (همان: ۱۰۸).

۸-۱- تحذیر

یکی دیگر از عوامل مسقط ضمان یا مانع مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان، هشدار دادن و آگاه کردن اینان به آثار زیان بار برخی اعمال است. این موضوع در لسان فقها ذیل قاعده «تحذیر» بررسی می شود. براساس این قاعده، هرگاه فرد اقداماتی را انجام داده باشد که مخاطب را از خطر موجود یا قریب الوقوع دور نگاه دارد، ولی طرف مقابل علی رغم مفید و کافی بودن تحذیر، خود را در معرض ضرر و زیان قرار داده باشد به نحوی که عامل زیان قادر به ضرر زدن نباشد، وی مسئول نیست. به موجب این قاعده، هشداردهنده، مخاطب را از وجود خطر آگاه می سازد و هیچ گونه قصد فعل نسبت به وی را ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۶۷/۱؛ محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲/۲۴۲)؛ مانند اینکه فردی دختر یا پسر خود را به ازدواج، فراگیری دانش، هنر و انجام برخی بازی ها و سرگرمی های لازم و مفید ذهنی که از هر جهت آثار مثبت مادی و معنوی دارد ترغیب می کند و در مقابل از انجام رفتارهای خلاف آن بر حذر می دارد.

البته باید توجه داشت که یکی از شرایط اعمال قاعده، رسیدن هشدار به مخاطب است و در مواردی که به هر دلیلی مثل نداشتن قوه تمیز قادر به تشخیص و درک هشدار نباشد هشداردهنده از مسئولیت معاف نخواهد بود؛ چه به تعبیر فاضل هندی در کشف اللثام بچه غیرممیز هشدار را نمی‌فهمد تا ضمان از والدین برداشته شود (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲/۲۴۷).

۱-۹- استیمان

چه‌بسا پدر و مادر حسب مورد و در مقام ولی یا قیم مسئول اداره اموال فرزند باشند. از طرفی، طبق ماده ۶۳۱ قانون مدنی ولی یا قیم نسبت به اموال مولی علیه امین محسوب می‌شوند. در مورد امین هم قاعده این است که مادامی که تعدی و تفریط نکرده است ضامن نیست (حسینی‌مراغی؛ ۱۴۱۷: ۴۸۲/۱؛ موسوی‌بجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۸۷/۱ محقق داماد، ۱۳۷۹: ۱۰۲/۲). بدین ترتیب، والدین مسئول تلف یا نقص یا ضرر واردشده به اموال فرزند خود نیستند و تنها در صورت تعدی و تفریط می‌توان آن‌ها را مسئول شناخت.

۲- موانع خاص

مقصود از موانع خاص، آن دسته از عواملی‌اند که به دلیل وضعیت و شرایط خاص طرفین دعوا- که همان والدین و فرزندان هستند- باعث شده امکان اقامه دعوا علیه والدین بیشتر جنبه نظری پیدا کند. در موردی هم که دادرسی ناگزیر از پذیرش دعوا است در مرحله صدور حکم به جبران خسارت باتسامح برخورد می‌کند. این موانع عبارتند از: ضرورت‌های عرفی؛ انصاف و ارزش‌های اخلاقی.

۲-۱- ضرورت‌های عرفی

این واقعیت را کم‌وبیش می‌دانیم که قانون در پیش‌بینی تمامی مسائل زندگی اجتماعی ناتوان است و برای رفع این نقص چاره‌ای جز رجوع به عرف نیست. از سوی دیگر، بخشی از عرف‌ها که یادگار اسلام و گذشتگان‌اند و مورد احترام جامعه ضروری به‌شمار می‌روند و نیاز حقیقی به آن‌ها احساس می‌شود. مبنای واقعی عرف را هم باید ضرورت‌های زندگی اجتماعی و خواست‌های طبیعی انسان دانست (کاتوزیان؛ ۱۳۷۷: ۲/۴۸۰). هنوز جوامعی یافت می‌شوند که در آن‌ها اختیار فرزند با پدر و مادر است و قوانین نباید در این رابطه دخالت کنند. حال فرض کنید فرزندی بخواهد علیه پدر و مادر به‌خاطر تقصیر در تربیت اقامه دعوی کند و آن‌ها را پای میز محاکمه بکشاند، به‌ویژه اگر هدف نهایی به دست آوردن مبلغی پول به‌جای خسارت باشد. عرف جامعه ما چنین نتایجی را نمی‌پذیرد؛ زیرا گذشتن از لغزش‌های پدر و مادر پاداش فداکاری و از خودگذشتگی آنان و مسئولیت‌های اجتماعی است که بر عهده دارند. در این شرایط، تقلید از الگوهای حماسی و برگزیدگان مذهبی و اجتماعی، ترس از آینده و نكوهش دیگران و بسیاری از عوامل روانی و اجتماعی دیگر به ایجاد و اعتقاد به الزامی بودن عرف کمک می‌کند (همان؛ ۲/۴۹۸). باید توجه داشت که دخالت دولت در حمایت از این عرف

ضروری است و کمترین حمایت آن این است که مانعی در راه اجرای آن ایجاد نکند و آن را مخالف نظم عمومی نداند.

در این گونه موارد دادرسی می‌تواند با تفسیر مناسب «تقصیر» که مفهومی عرفی است و نیز باتوجه ویژه به مفهوم «شرایط خاص» والدین مانند پیری، تحصیلات پایین، زندگی در شرایط سخت و مسائلی از این قبیل، جلوی گستاخی فرزندان را بگیرد و حقوق والدین را محترم بشمارد. درحقیقت، والدین وظیفه دارند در حد توان، فضایی امن و به دور از درگیری و مشاجره، و سرشار از رفاه لازم را برای فرزندان خویش فراهم آورند. قید «در حد توان» از آیه شریفه سورة انعام استفاده می‌شود که: «خداوند هرکس را به مقدار توانایی خود تکلیف کرده است»^۱.

۲-۲- انصاف

جبران خسارت وارد شده به افراد کاملاً منطقی و عدالت‌پسند است. قواعد حقوقی وسیله اجرای عدالت و مصالح اجتماعی‌اند و نباید آن‌ها را که گاه خشک و بی‌روح جلوه می‌کنند، به گونه‌ای مجرد و جدای از سایر شرایط بررسی کرد. در مسئولیت مدنی، دادرسی بهتر مجال آن را می‌یابد که خود را از بند اصول رها سازد و بیشتر به ندای وجدان گوش دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۲/۱). در همان حال، وی به نام جامعه و قانون سخن می‌گوید و از انصاف بهره می‌گیرد. انصاف احساسی مبهم و رقیق‌تر از عدالت است که در کنار قواعد اصلی حقوق و به‌استناد متکی بودن به اصول عالی و برتر اخلاقی وسیله تعدیل و متناسب کردن آن‌ها با موارد خاص است و به‌همین دلیل از منابع سازنده حقوق به شمار می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۷۸/۲). بدین ترتیب، مسئولیت مدنی والدین که مبتنی بر عدالت نوعی است با اتکا به انصاف یا همان عدالت برتر، تحدید می‌شود یا حداقل در زمان صدور حکم به جبران خسارت، متأثر از آن می‌گردد؛ برای مثال، رفتار انسانی متعارف، معیار دادرسی در تمیز تقصیر است، ولی شرایط و احوال حاکم در موضوع دعوی مطروحه بین پدر و فرزند یا مادر و فرزند را نیز در نظر می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۵۴/۱). دادرسی می‌تواند باتوجه به «شرایط خاص» طرفین دعوا (والدین و فرزندان) بسیاری از رفتارهایی را که در روابط سایر افراد تقصیر محسوب می‌شود، نادیده بگیرد و حتی‌الامکان تقصیرهای عمدی را موجب مسئولیت بداند.

۳- احکام و ارزش‌های اخلاقی

بدیهی است والدین در برابر فرزندان تکالیفی متعدد بر عهده دارند. پس اگر مادری که وظیفه حضانت با اوست، فرزند خود را در بیابان رها کند؛ یا پدری که وظیفه اداره اموال را بر عهده دارد از آن اموال منتفع شود یا معامله‌ای غرری را با آن انجام دهد و از این راه زینتی به فرزند برساند، مسئول است. درحقیقت، ضمانت اجرای تکالیف پدر و مادر به حرمان از موهبت الهی محدود نمی‌شود. آنان

نیز مانند سایر مکلفان نسبت به آثار بی‌مبالاتی و خودداری از انجام تعهدات، مسئولیت مدنی دارند (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی).

در این میان، نقش ارزش‌ها و قواعد اخلاقی را در کاستن و تحدید مسئولیت نباید فراموش کرد. منظور از قواعد اخلاقی، مجموعه ضوابط و اصولی است که مورد احترام تمام یا غالب افراد جامعه باشد و وجدان بیشتر آنان مراعات این ضوابط را ضروری بداند، به طوری که تخلف از آن باعث جریحه‌دار شدن احساسات افراد جامعه شود (امامی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷). به همین جهت، قواعد و ارزش‌های اخلاقی، قاعده حقوقی مسئولیت مدنی والدین را محدود می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۷۸/۲). به عبارتی، طبق اصل هماهنگی اخلاق و حقوق، قوانین نباید نافی و ناقض قواعد اخلاق باشند و باید یکدیگر را تکمیل کنند؛ چه هدف از حکومت، رشد دادن انسان‌ها در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها برای تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید و این هدف جز با هماهنگی حقوق و اخلاق ممکن نیست (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۱/۲). بر پایه تعالیم مذهبی و اسلامی ایستادن در برابر پدر و مادر و بی‌احترامی به آنان در هیچ شرایطی مباح نیست. فرزند ناخلف نه تنها هنجارهای نظام اجتماعی را می‌شکند بلکه در برابر حکم خدا سرکشی می‌کند و شایسته مذمت و عقوبت است. آیات فراوانی جایگاه و ارزش رعایت حرمت والدین را نشان می‌دهند. خداوند متعال در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء که از جامع‌ترین آیه‌های قرآن درباره معاشرت فرزندان با پدر و مادر است می‌گوید: «کمترین اهانتی به آن‌ها مکن و بر سر آن‌ها فریاد مزن و گفتار لطیف، سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو. بال‌های تواضع خویش را در برابر آن‌ها از محبت و لطف فرود آر...». همچنین، در آیه ۱۵ سوره لقمان بر احترام به پدر و مادر تأکید شده است، هرچند این دو کافر باشند و فرزند را به کفر دعوت کنند. خداوند فقط در این مورد، اطاعت نکردن از پدر و مادر را اجازه داده است، اما باین حال می‌فرماید: «ولوا اینکه آن‌ها کافرند، با آن‌ها به طور شایسته‌ای در دنیا رفتار کن».

نیز در روایات معصومان علیهم‌السلام بر لزوم حفظ حرمت والدین تأکید شده است. امام صادق علیه‌السلام سزای کسی را که از روی نفرت به پدر و مادرش - که به وی ستم کرده‌اند - نگاه کند، پذیرفته نشدن نماز در درگاه الهی دانسته^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، الف: ۳۴۹/۲) و کمترین مرتبه ستم به اینان را گفتن اف می‌داند^۲ (همان، ۱۴۰۷، ب: ۶۳/۴). امام باقر علیه‌السلام نیز یکی از مواردی را که خداوند متعال به احدی اجازه ترک آن را نداده است نیکی به پدر و مادر بیان می‌کند، حتی اگر فاسق و لایبالی باشند (مجلسی، ۱۴۱۰: ۵۶/۷۴)^۳. همچنین، امام سجاد علیه‌السلام در رساله حقوق، دلیل حفظ جایگاه پدران و مادران و رعایت

۱ - من نظر الی ابویه نظر ماقنت، و هما ظالمان له، لم یقبل الله له صلاة

۲ - لو علم الله شیئا ادنی من اف لنبی عنه، و هو من ادنی العقوق و من العقوق ان ینظر الرجل الی والدیه فیحد النظر الیهما.

۳ - ثلاث لم یجعل الله (عز و جل) لاحد فیهن رخصة: اداء الامانة الی البر و الفاجر و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر و بر الوالدین برین کانا

حرمت آنان از سوی فرزندان را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند!

براین اساس، وابستگی خانواده -به‌ویژه روابط والدین و فرزندان- به قواعد اخلاقی و مذهبی چنان است که می‌توان گفت قوانین حاکم بر آن به‌وسیلهٔ اخلاق و مذهب اداره می‌شود و دولت کار مهمی جز تعیین ضمانت اجرا برای آن ندارد. خانواده را اخلاق اداره می‌کند و حقوق برای شرایط غیرعادی است. زمانی که اوضاع دگرگون می‌شود و عشق و ایثار و فداکاری جای خود را به ناسازگاری و زیاده‌خواهی می‌دهد، حقوق خانواده رنگ و چهره دیگری دارد و جنبهٔ عاطفی و انسانی آن بر سیمای منطقی قواعد غلبه می‌یابد و بر همهٔ راه حل‌ها سایه می‌افکند. باید توجه داشت پرچوش‌ترین احساسات انسانی روابط والدین و اولاد است و معمولاً این احساسات به‌خصوص از سوی پدر و مادر به دور از هرگونه شائبهٔ خودخواهی و جلب منفعت است و از همین‌رو، قداست خاصی به این علاقه می‌بخشد و هرچه از این شائبه دورتر و خالص‌تر باشد قداست بیشتری می‌یابد. فرزند هرچه در احترام به پدر و مادر و احسان و نیکی به آنان کوشا باشد هرگز نخواهد توانست حق آن‌ها را ادا کند ولی باید تا حد امکان سعی و کوشش داشته باشد.

بعد از بررسی نظری عوامل تحدیدکننده، این مسئله مطرح می‌شود که چگونه می‌توان ضمن پرهیز از درهم‌آمیختگی قلمرو حقوق، از نقض قوانین اخلاقی به بهانهٔ فقدان ضمانت اجرا خودداری کرد؟

این مسئله از دو دیدگاه قانونگذاری و قضایی باید بررسی شود. از دیدگاه قانونگذاری باید دید قانونگذار تاچه اندازه، این قواعد را از طریق تقنین وارد قلمرو حقوق کرده است؟ در این باره می‌توان گفت، ضابطهٔ اخلاق حسنه همواره در کنار نظم عمومی به حمایت از موازین اخلاقی و جلوگیری از نقض آن‌ها پرداخته است (مادهٔ ۹۷۵ قانون مدنی). از این‌رو، مقنن دربارهٔ ضمانت اجرای مسئولیت ناشی از تخلف پدر و مادر سکوت کرده است؛ زیرا محبت پدر و مادر به فرزند بهترین ضمانت اجرای تکالیف اخلاقی به شمار می‌رود. جالب‌توجه است که تأثیر ملاحظات فوق تا جایی است که باعث شده

او فاجرین.

۱ - حق مادرت این است که بدانی او تو را در جایی نگه داشته که کسی نگه نمی‌دارد و از میوهٔ دلش به تو داده که کسی به کسی نمی‌دهد و از تو با همهٔ وجودش از گوش و چشم و دست و پا و موی و پوست با شادمانی و سرور نگرهبانی و نگهداری کرده و ناملایمات و غم و اندوه و نگرانی‌ها را تحمل می‌کند و شادان و خرم است که تو را سیر نماید و خود گرسنه بماند، تو را بپوشاند و خود برهنه باشد، تو را سیراب کند و خود تشنه باشد، خود در آفتاب باشد و بر تو سایه افکند، با تحمل مشقت آرامش و تنعم تو را فراهم آورد و با پذیرش رنج و بی‌خوابی تو را از لذت خواب بهره‌مند سازد...

پس باید با این همه محبت و زحمت شکرگزار او باشی و هرگز نمی‌توانی مگر خدایت یاری کند.

و اما حق پدرت آن است که بدانی که او اصل توست و تو شاخه و فرع او اگر نمی‌بود تو نیز نبودی... (رسالهٔ حقوق امام

سجاد (علیه السلام))

این بحث بیشتر جنبه نظری پیدا کند و حتی نویسندگان حقوقی، درباره مسائل آن بی‌اعتنا بمانند. اما از دیدگاه قضایی باید بررسی شود که دادرس چگونه می‌تواند در صورت نبودن قانون، با مددگرفتن از قواعد حقوقی موجود و تفسیر مناسب آن‌ها به کمک قواعد اخلاقی و عرفی و مذهبی بشتابد؟ به عبارتی، آیا وی می‌تواند در مقام تفسیر و اجرای قانون، با هدف حفظ حرمت والدین مطالبه خسارت‌های مادی و معنوی فرزندان را محدود کند؟ زیرا از طرفی، یکی از وظایف دادرس در مقام اجرای حق، تفسیر قانون است. از سوی دیگر، تأثیر قواعد اخلاقی بر حقوق و هماهنگی آن‌ها با هم -به‌ویژه در روابط حاکم بر خانواده- امری انکارناپذیر است. حال با این توضیحات، دادرس چگونه می‌تواند در تفسیر قوانین خود را بی‌نیاز از ارزش‌های اخلاقی بداند و نسبت به آن بی‌اعتنا باشد. حقوق‌دان معروف فرانسوی، ریپر، در کتاب قواعد اخلاقی در تعهدات مدنی در این باره می‌گوید: «...اخلاق نه تنها در تهیه قاعده حقوقی مؤثر است، بلکه در اجرا و تفسیر آن نیز نقش دارد. اگر قانونگذار چیزی را مسکوت گذاشت و یا به قاعده اخلاقی تجاوز کرد قاضی از طریق تفسیر، آن را جبران می‌کند...» (مهرپور و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۲۹). اما اینکه چگونه می‌تواند مسئولیت مدنی والدین را محدود کند نیاز به بررسی طولانی دارد که مجال آن در این جستار نیست و تنها به پاره‌ای از راهکارها اشاره می‌شود.

الف: در ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی آمده است: دادگاه در موارد زیر می‌تواند تخفیف دهد:

۱- هرگاه پس از وقوع خسارت، واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان‌دیده کمک کرده باشد. روشن است که والدین به‌طور معمول، پس از صدمه یا آسیب مادی یا معنوی به فرزندشان تمامی توان خود را برای جلوگیری یا رفع زیان به کار بگیرند تا درد و رنج آنان را کاهش دهند. اگرچه در مورد صدمات بدنی، به علت صراحت قانونی در باب دیات، نمی‌توان از این تخفیف استفاده کرد، در سایر موارد، استناد به این بند موجه به نظر می‌رسد.

۲- هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی باشد که عرفاً نمی‌توان از اغماض کرد.

باید دانست که بیشتر رفتارهای تقصیرآمیز والدین، بدون سوءنیت و ناشی از غفلت و بی‌توجهی است.

ب: بهره‌جستن از مفاهیم و نهادهایی چون احسان، و توسعه دادن لوازم انجام تکالیف، می‌تواند در بسیاری موارد میزان مسئولیت والدین را کاهش دهد؛ برای مثال، کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۱۶ درباره حریم خصوصی کودک مقرر داشته است: ۱- در امور خصوصی خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود؛ ۲- کودک در برابر این‌گونه دخالت‌ها یا هتک حرمت‌ها تحت حمایت قانون قرار دارد.

به‌نظر، قانون نمی‌تواند حمایت از حریم خصوصی کودک و حتی نوجوان را در برابر والدین تضمین

کند؛ زیرا حرمت خانواده به اندازه‌ای است که دخالت در آن به معنای مداخله در رابطه والدین و کودکان و محدود ساختن نقش سازنده و بسیار مهم والدین در رابطه با بزرگسالان خواهد بود. به‌علاوه، اطلاع پدر و مادر از امور خصوصی فرزند به معنای مداخله آنان در حریم خصوصی نیست بلکه به معنای حمایت و حراست از فرزندان خردسال در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد آنان است. کودکان در عمل، به دلیل استقلال نداشتن و ناتوانی در تصمیم‌گیری‌ها نیاز به حامی دلسوز دارند. همچنین، برخی محرومیت‌ها و محدودیت‌های ناشی از رفتار آن‌ها که فرصت بهره‌مندی از بسیاری موقعیت‌ها را تقویت می‌کند، ناشی از حسن‌نیت است و انگیزه احسان را در خود نهفته دارد. در حوزه اموال نیز اصل بودن رعایت غبطه و انجام تکالیف متعارف، به‌طور مؤثری از مسئولیت پدر و مادر می‌کاهد. ج: از دیگر مواردی که دادرسی می‌تواند از آن برای جلوگیری از نقض قواعد استفاده کند و حکمی منصفانه صادر نماید، بهره‌جویی از روش‌های غیرمالی در جبران خسارت است (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی). پدیده‌هایی چون کاهش آمار ازدواج و تولد؛ و نیز عدم تمایل به پذیرش سرپرستی، از جمله دلایل ترغیب‌کننده دادرسی در به‌کارگیری روش‌های غیرمالی است.

د: قانونگذار انجام برخی تکالیف مانند تربیت و نفقه را به استطاعت و توانایی والدین منوط کرده است. در این موارد، دادرسی می‌تواند از مسئولیت آنان بکاهد یا حتی به علت عدم توانایی، حکم به عدم مسئولیت دهد.

نتیجه‌گیری

هر یک از پدر و مادر تکالیفی در برابر فرزندان دارند، که در صورت انجام ندادن آن و نقض حقوق فرزندان، با وجود دیگر شرایط مسئولیت مدنی دارند. لیکن این قاعده نامحدود نیست و عواملی موجب عدم مسئولیت یا کاهش میزان آن می‌شود. به‌طور کلی، آنچه مانع مسئولیت مدنی والدین است به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شود. منظور از موانع عام، قواعد و مقرراتی‌اند که صرف‌نظر از شخصیت و روابط خاص طرفین، در صورت وجود شرایط لازم، فعل زیان‌بار یا عمل تقصیرآمیز والدین را موجه می‌سازد و یا قابلیت انتساب زیان وارد شده را به آنان منتفی می‌کند. این عوامل عبارتند از: مجوز قانون یا مقام صلاحیت‌دار؛ اجرای حق؛ اکراه یا اجبار؛ اضطرار؛ رضایت زیان‌دیده؛ احسان؛ اقدام؛ تحذیر؛ استیمان.

اما عواملی هم وجود دارند که در همه دعاوی مسئولیت مدنی، استناد و بهره‌گیری از آن برای کاستن از میزان مسئولیت یا رد آن امکان‌پذیر نیست. در حقیقت، شخصیت و روابط خاص والدین و فرزندان باعث می‌شوند تا قواعدی ویژه چون ضرورت‌های عرفی، انصاف، احکام و ارزش‌های اخلاقی بر آن حاکم گردند. لازم به ذکر است که در قوانین مختلف و به صورت پراکنده، مصادیقی آمده‌اند که به‌نوعی، اشاره به این قواعد دارند و دادرسی را به رعایت آن‌ها سوق می‌دهند.

منابع

قرآن کریم

کتب فارسی

- ۱- امامی، اسدالله؛ و همکاران، (۱۳۸۶ش.): تأملی در حقوق تطبیقی، سمت، تهران.
- ۲- حکمت‌نیا، محمود؛ و همکاران، (۱۳۸۶ش.): حقوق خانواده(اصول و قواعد)، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.
- ۳- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، (۱۳۸۹ش.): مسئولیت مدنی(الزامات خارج از قرارداد)، سمت، تهران.
- ۴- کاتوزیان، امیرناصر، (۱۳۷۵ش.): حقوق خانواده، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران.
- ۵- _____، (۱۳۷۷ش.): فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ۶- _____، (۱۳۸۶ش.): الزام‌های خارج از قرارداد(ضمان قهری و مسئولیت مدنی)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- ۷- محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۷۹ش.): قواعد فقه(بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
- ۸- موسوی‌بجنوردی، سیدمحمد، (۱۳۷۹ش.): قواعد فقهیه، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران.

کتب عربی

- ۹- حسینی‌روحانی، سیدصادق، (۱۴۱۲ق.): فقه الصادق، انتشارات دارالکتب- مدرسه امام صادق (علیه السلام)، قم.
- ۱۰- کلینی، محمد، (۱۴۰۷ق. الف): الکافی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۱۱- _____، (۱۴۰۷ق. ب): الکافی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۱۲- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۱۰ق.): بحار الأنوار، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت.
- ۱۳- مراغی، سید میرعبدالفتاح، (۱۴۱۷ق.): العناوین الفقہیہ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم

مقالات

- ۱۴- کاظمی، محمود، (۱۳۹۱ش.): «اثر فعل زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان»، فصلنامه

علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۷.

۱۵- لطفی، اسدالله، (۱۳۷۹ش.): «قاعده احسان»، مجله دانشکده حقوق و علم سیاسی، شماره ۵۰.

۱۶- محقق داماد، سیدمصطفی؛ جعفری خسروآبادی، نصرت‌الله، (۱۳۸۹ش.): «بررسی قاعده مقابله

با خسارت براساس فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲.

۱۷- مهرپور، حسین؛ و همکاران، (۱۳۸۰ش.): «اجرای حقوقی اخلاق»، شماره ۴.